دیدگاه دانشجویی

ریشه‌یابی آشفتگی ارزی

جهش نرخ ارز در یک‌سال اخیر، خصوصا از دی ماه سال قبل که به طور جدی آغاز شد؛ واکنش‌های زیادی را برانگیخت؛ همه از خود می‌پرسیدند چطور نرخ ارز این‌قدر ناگهانی افزایش یافت و به شکل افسار گسیخته‌ای به راه خود ادامه داد؟

عده‌ای می‌گفتند به خاطر اعلام تحریم‌ها، ثبات دستوری نرخ ارز، کاهش نرخ سود و... این اتفاقات افتاده است، هرچند برخی از دلایل فوق در این بی‌ثباتی‌ها اثرگذار بود اما علت اصلی مشکل را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد.

واقعیت این است که ریشه التهابات ارزی در «سیاستگذاری‌های غلط پولی و مالی دولت» بوده است، بی‌انضباطی دولت در این حوزه‌ها موجب شد تا انباشت بی‌تدبیری‌هایش با کوچک‌ترین تکانه‌ای، مجال ظهور پیدا کند.

برای توضیح این بی‌تدبیری‌ها به آمار رسمی بانک مرکزی رجوع می‌کنیم تا به طور دقیق این التهابات را ریشه‌یابی کنیم.

براساس این آمارها، طی ۵ سال اخیر، بدهی دولت به بانک مرکزی از ۱۵ هزار میلیارد تومان به ۳۴ هزار میلیارد تومان رسیده؛ معنی ساده افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی این است که دولت به دلیل ناتوانی در تامین مخارج خود، دست به دامان بانک مرکزی (برای چاپ پول) شده و اصطلاحا از بانک مرکزی استقراض کرده است.

بر این اساس، با افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی، حجم پول افزایش پیدا کرده است؛ اما نکته تاسف بر انگیزتر آنجاست که حجم بدهی دولت، نه به شکل آرام و معتدل، بلکه به شکل قابل توجهی افزایش یافته و همان‌طور که آمارِ آن را آوردیم، این بدهی‌ها ۲/۲ برابر شده است!

درباره اینکه آثار افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی چیست؛ باید گفت براساس نظریه مقداری پول (که می‌گوید تورم به دلیل افزایش حجم پول است) این افزایش ۲.۲ برابری بدهی دولت به بانک مرکزی تورم آفرین می‌باشد.

از سوی دیگر؛ فارغ از بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها هم به بانک مرکزی از ۵۵ هزار میلیارد تومان به ۱۳۵ هزار میلیارد تومان رسیده و این افزایش بدهی هم به این معناست که بانک‌ها به دلیل ناتوانی در تامین سود سپرده‌های مردم (و البته جذب سپرده‌های بیشتر) به بانک مرکزی متوسل شده تا بانک مرکزی با ارائه خطوط اعتباری (که به نوعی خلق پول محسوب می‌شود) به بانک‌ها فرصت جذب سپرده‌های بیشتر و بیشتر را بدهد.

لازم به ذکر است؛ افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی که متاسفانه در این دولت ۲/۵ برابر شده، باعث افزایش حجم شبه پول شده و به نوعی سود موهوم به وجود آورده است!

شبه پول در بیانی ساده به معنای سپرده‌های بلندمدت مردم بوده و علت اینکه شبه پول نامیده شده این است که این پول‌ها به سرعت نقد نشده و مدت زمان تقریبا زیادی (مثلا) یکسال طول می‌کشد که این پول‌ها نقد شود.

شبه پول نیز مانند پول، اثرات مخربی بر روی اقتصاد داشته و تورم‌زاست؛ منتها تا وقتی این پول‌ها در بانک قرار دارد، تقریبا اثرش خنثی است؛ مانند سیلی که پشت یک سد قرار گرفته، سدی که در اینجا نرخ سود بانکی بود و به محض شکسته شدن آن، حجم پول قابل توجهی روانه بازارهای دیگر می‌شود.

با این دو مقدمه، سراغ اصل مطلب می‌رویم؛ نقدینگی کشور معادل حجم پول و شبه پول می‌باشد، همان‌طور که ملاحظه شد، «بدهی دولت به بانک مرکزی» و «بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی» در دولت حسن روحانی به ترتیب ۲/۲ برابر و ۲/۵ برابر شده است! لذا هم «حجم پول» و هم «حجم شبه پول» (یعنی هر دو جزء نقدینگی) با افزایش رو به می‌شوند؛ آمارهای بانک مرکزی هم موید همین نکته است.

برطبق این آمار، حجم نقدینگی کشور از ۴۹۰ هزار میلیارد تومان در ابتدای دوره روحانی، به یک تریلیون و ۵۸۰ هزار میلیارد تومان در خرداد ۹۷ رسیده و حدودا ۳/۵ برابر شده است؛ افزایشی که در نوع خود چشمگیر، اعجاب‌آور و متحیرکننده است.

البته باید اشاره شود که نقدینگی یک شمشیر دو لبه است، اگر به اندازه حجم تولیدات کشور رشد کند، مفید و اگر بیش از آن رشد کند، مضر است. مثلا وقتی ما سالانه ۲۵ درصد رشد نقدینگی داریم اما رشد اقتصادی‌مان تقریبا ۴ درصد است، یعنی ۲۱ درصد از رشد نقدینگی به شکل افزایش تورم خود را نشان می‌دهد.

حال، وضع ما چگونه بوده است؟ طی ۵ سالی که از دولت روحانی می‌گذرد، مجموع تورم ما (که طی دو سال اخیر تک رقمی شده بود) کمتر از رشد نقدینگی بوده و این به معنای انباشته شدن یک تورم چشمگیر طی سالیان گذشته می‌باشد.

نقدینگی در دولت حسن روحانی ۲۲۱ درصد رشد کرد اما رشد اقتصادی ما در این مدت حدود ۱۷ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر بیش از ۲۰۰ درصد تورم در این پنج سال به واسطه نقدینگیِ زیاد به کشور تحمیل شد که تقریبا ۸۱ درصد آن به وسیله تورم ۵ سال اخیر تخلیه شد ولی میزانی که باقی مانده، همچنان در انتظار اقتصاد کشور است.

از تورم زایی نقدینگی هم که عبور کنیم، برای ادامه بحث باید بر روی اثرگذاری نقدینگی بر بازار ارز مقداری توقف کنیم چراکه با جذاب شدن بازار ارز، مقداری از این نقدینگی بسیار زیاد به بازار فوق روانه شد.

عملکرد پولی دولت حسن روحانی که به شکل حبابی به راه خود ادامه می‌داد با کوچک‌ترین ضرباتی از جمله کاهش نرخ سود (که با توجه به پایین بودن تورم، ضروری بود)، اعلام تحریم‌های آمریکا (که انتظارات تورمی را در جامعه افزایش داد) و... به بن‌بست رسید و اقتصاد ایران را در شرایط فعلی قرار داد.

به عبارت دیگر علت العلل این آشفتگی ارزی که ورود نقدینگی بسیار به این بازارهاست، ماحصل بی‌تدبیری‌های دولت در سیاست‌های پولی‌اش می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد؛ نقدینگی که به دلیل اشتباهات پولی این دولت به این حجم رسید و حالا چنین سرنوشتی برای اقتصاد ایران رقم زد، موجب شده تا این سیل سرگردان به بازار ارز، سکه، مسکن و... رفته و در تمام این بازارها افزایش قیمت‌های نجومی ایجاد کند.

در نهایت باید گفت؛ دولت راه را غلط رفته و این نه به خاطر تحریم‌ها، نه به خاطر کاهش سود بانکی و نه به خاطر تثبیت دستوری نرخ ارز بوده است، دولت فقط میوه درخت بی‌انضباطی‌هایش را چیده و باید قبول کند که اصلاح شرایط کنونی تنها به وسیله اصلاح سیاست‌های داخلی‌اش هست، نه برجام اروپایی، نه تک نرخی کردن ارز و نه حتی راه‌اندازی بازار ثانویه.

*** سید امیرحسین شکرآبی**
فعال دانشجویی و دانشجوی اقتصاد

چرا راه موفقیت تنها به «کنکور» ختم نمی‌شود؟

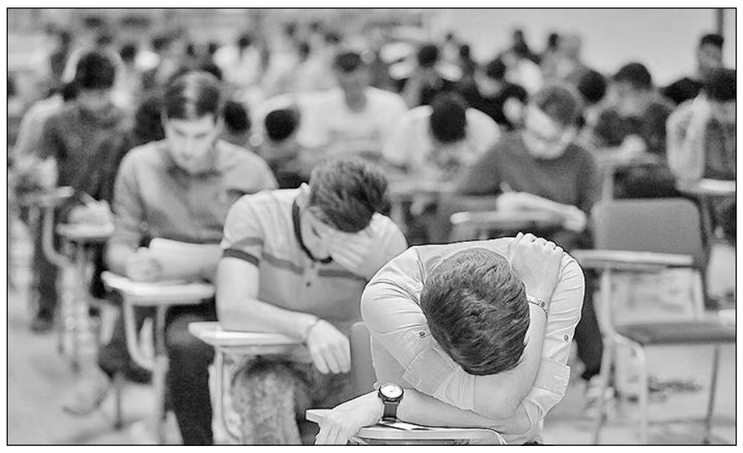

نیمه نخست تیرماه هر سال شاهد برگزاری کنکور سراسری در داخل و خارج ایران هستیم و علاوه‌بر داوطلبان، خانواده‌های بسیاری چشم‌انتظار قبولی فرزندان و سایر عزیزانشان در این آزمون سرنوشت‌ساز هستند؛ به طوریکه شاید یک تابستان را در استرس بگذرانند تا در پایان فصل نتیجه آزمون فرزندشان مشخص شود، آزمونی که برخی از افراد آن را تنها راه رسیدن به موفقیت در زندگی می‌دانند.

اما آنچه روان‌شناسان و دانشگاهیان هم به آن معتقدند و تجربه هم ثابت کرده این است که نوجوانان در سن کنکور باید برای موفقیت در تحصیل تلاش کنند اما نه اینکه تمام مسیرهای موفقیت خود را در کنکور خلاصه کنند.

اخباری که گه‌گاه پس از اعلام نتایج کنکور از وضعیت داوطلبانی که به نتیجه دلخواه نرسیده‌اند به گوش می‌رسد گاهی واقعا تعجب برانگیز و حتی تاسف بار است چرا که برخی داوطلبان که تنها راه موفقیت خودشان را در کنکور دیده‌اند با شکست در این آزمون، خود را باخته و دنیا را تمام شده می‌دانند اما آنچه مسلم است کنکور آزمونی برای تعیین یک مسیر در راه موفقیت است نه تمام مسیرها.

داوطلبان آزمون سراسری می‌دانند که برای نواختن ترانه موفقیت، کنکور یکی از راه‌ها است و حتی در صورت موفق نشدن در کنکور نیز می‌توانند از مسیرهای دیگر برای رسیدن به موفقیت در زندگی بهره ببرند و چه بسا افرادی که راه‌های دیگری را برگزیده‌اند و موفق‌تر هم بوده‌اند، چرا که موفقیت در تلاش و علاقه است و هر کسی اگر مسیر درست را انتخاب کرده و آن را به مقصد پایانی برساند موفق است، چه بسا افرادی که به دانشگاه هم راه یافته‌اند اما به دلیل نبود علاقه آن را به پایان نرسانده‌اند یا از آن به خوبی بهره‌گیری نکردند.

اتفاقا این روزها و در شرایط اقتصاد امروز، مهارت آموزی یکی از بهترین مسیرهاست و حتی دانشگاه‌ها نیز در حال حرکت به سمت آموزش مهارت هستند تا تئوری.

پاسخ این سؤال که «آیا کنکور، تنها راه موفقیت است یا خیر»، در گفت‌وگویی که با برخی از دانش‌آموزان داشته‌ایم خواهید یافت.

*** کنکور نمی‌تواند تنها مسیر موفقیت برای دانش‌آموزان باشد**

طنین زاهدی‌کیا رتبه دوم کنکور علوم انسانی بر این باور است که کنکور تنها راه موفقیت نیست اگر مقصدی به نام موفقیت و خوشبختی وجود داشته باشد چندین مسیر به این مقصد ختم می‌شود و کنکور نمی‌تواند تنها مسیر موفقیت باشد.

وی با اشاره به اینکه از طریق درس، هنر، ورزش و... می‌توان به آنچه که انسان می‌خواهد به آن برسد، اظهار می‌دارد: اگر در رشته حقوق قبول نشوم ترجیح می‌دهم دانشگاه سطح پایین‌تری بروم اما امسال ادامه تحصیل بدهم و در مقاطع بعدی، تلاش بیشتری کنم تا اینکه بخواهم پشت کنکور بمانم.

رتبه دوم کنکور علوم انسانی با بیان اینکه رشته حقوق دانشگاه بهشتی را انتخاب کرده است، می‌گوید: به نظر من در گروه ادبیات و علوم انسانی، رشته حقوق یکی از تأثیرگذارترین رشته‌ها است. قطعاً وقتی ما قوانین خوبی داشته باشیم جامعه بهتری خواهیم داشت و قوانین را حقوقدان‌ها تنظیم می‌کنند.

*** اخباری که گهگاه پس از اعلام نتایج کنکور از وضعیت داوطلبانی که به نتیجه دلخواه نرسیده‌اند به گوش می‌رسد گاهی واقعا تعجب برانگیز است چرا که برخی داوطلبان که تنها راه موفقیت خودشان را در کنکور دیده‌اند با شکست در این آزمون، خود را باخته و دنیا را تمام شده می‌دانند اما آنچه مسلم است کنکور آزمونی برای تعیین یک مسیر در راه موفقیت است نه تمام مسیرها.**

*** اگر پزشکی قبول نمی‌شدم به توانایی‌های دیگری که دارم فکر می‌کردم**

امیرحسین قوی‌دل که سال گذشته توانست رتبه دوم کنکور تجربی را به دست آورد و هم اکنون دانشجوی رشته پزشکی در دانشگاه تهران است، خطاب به کسانی که نتوانسته‌اند رتبه مناسبی را در کنکور به دست آورند، بیان می‌دارد: دانشگاه‌هایی هم وجود دارند که بدون کنکور هم دانشجو می‌پذیرند و یا حتی با شرایط راحت‌تری دانشجو می‌پذیرند که این می‌تواند یک گزینه جایگزین برای افرادی باشد که در کنکور سراسری پذیرفته نشده‌اند.

وی تصریح می‌کند: راه‌های بسیاری برای موفقیت وجود دارد که به کنکور ختم نمی‌شود؛ شاید بعضی مشاغل خاص نیازمند تحصیلات دانشگاهی فشرده باشد اما شغل‌هایی هم وجود دارند که در ابتدای راه به تحصیلات آکادمیک نیازی ندارد.

این دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران ابراز می‌دارد: اگر انسان یک هدف مشخصی را برای زندگی‌اش تعیین کرده است مانند اینکه در رشته پزشکی قبول شود؛ باید برای آن تلاش ویژه‌ای داشته باشد و به نظر من، هر چه هدف ارزشمند و والا باشد باید تلاش بیشتری کرد اما اگر فردی تلاش کرد و به نتیجه دلخواهش نرسید باید به فکر راه‌های جایگزین باشد.

وی خاطرنشان می‌کند: راه زندگی فقط پزشکی و امثال آن نیست و دانش‌آموزان باید روی توانایی‌هایی خودشان تمرکز کنند و آن رشته‌ای که به آن علاقه دارند ادامه دهند. حتی اگر خود من هم پزشکی قبول نمی‌شدم به توانایی‌های دیگری که دارم فکر می‌کردم.

*** مهم تلاش برای رسیدن به هدف است**

کیمیا عبدلی دارای رتبه ۸۰۰ کنکور سراسری با بیان اینکه به اعتقاد من کنکور پایان راه نیست بلکه کنکور بخشی از زندگی است و همه آن نیست. اگر امسال قبول نمی‌شدم سال بعد دوباره شرکت می‌کردم، اظهار می‌دارد: حتی بعضی از افرادی که در بهترین رشته‌های دانشگاهی هم تحصیل کرده‌اند واقعاً به آن موفقیت دلخواهشان نرسیده‌اند و در طرف مقابل افرادی هم بوده‌اند که کنکور نداده‌اند اما در حال حاضر انسان‌های موفقی هستند.

وی که می‌خواهد در رشته حقوق تحصیل کند و به این رشته علاقه دارد، تصریح می‌کند: لازم است همه دانش‌آموزان تمام تلاش خود را داشته باشند مهم این نیست که نتیجه تلاش‌هایمان را می‌بینیم یا نه، بلکه مهم این است که من تمام تلاش خود را در راستای هدف خویش داشته باشم اگر هم به هدفم نرسیدم، واقعاً آخر راه نیست و من می‌توانم به موفقیت‌های دیگر دست یابم بنابراین کنکور فقط یک بخشی از زندگی انسان‌ها است.

عبدلی ادامه می‌دهد: هدف من از تحصیل در رشته حقوق این است که دوست دارم انسان‌های جامعه به حق خود برسند و حق‌خوری کمتر اتفاق افتد و سعی می‌کنم همواره در این مسیر گام بردارم.

*** کنکور پایان راه نیست**

علی خوش‌چشم نیز از دیگر داوطلبان کنکور سراسری ۹۷ بیان می‌دارد: مسلماً کنکور پایان راه یک دانش‌آموز نیست مگر امروز هر کسی که در بهترین رشته دانشگاهی تحصیل کرده، بهترین کار و درآمد را دارد، خیر! موفقیت یک فرد، ربطی به قبولی یا عدم قبولی‌اش در کنکور ندارد شاید اصلاً یک دانش‌آموزی هم در دانشگاه آزاد تحصیل کند و بتواند علاوه‌بر رشته تحصیلی مورد علاقه‌اش شغل مرتبط با آن رشته را نیز پیدا کند.

وی ابراز می‌دارد: من در رشته شیمی درس خوانده‌ام و دوست دارم در رشته مهندسی پلیمر یا مهندسی شیمی و مواد متالورژی قبول شوم، اگر هم در کنکور امسال قبول نشوم، تحت هیچ شرایطی برای بار دوم وارد بازی کنکور نخواهم شد و سعی می‌کنم اگر در رشته مورد علاقه‌ام پذیرفته نشدم در رشته‌های مرتبط پذیرفته شوم.

خوش‌چشم تصریح می‌دارد: به نظر من کسانی که سال‌ها پشت کنکور می‌مانند تا در رشته مورد علاقه خود پذیرفته شوند شاید هدفشان آنقدر برایشان مهم و پررنگ است که چند سال پشت سر هم در کنکور شرکت می‌کنند تا در رشته و دانشگاهی که می‌خواهد تحصیل کنند، بنابر این هدفی که یک فرد دارد بسیار در آینده آن شخص تعیین‌کننده است.

*** ترجیح مهارت بر مدرک**

محدثه علیخانی نیز از دیگر داوطلبان کنکور سراسری بیان می‌دارد: اگر در دوران راهنمایی و دبیرستان استعدادهای دانش‌آموزان شناخته شود و اگر دانش‌آموز در طی سال‌هایی که تحصیل می‌کند هنر و حرفه‌ای بیاموزد که بعد از مدرسه بتواند از هنر خویش استفاده کند، کسب و کاری راه بیندازد یا جایی بتواند مشغول کار شود اعتماد به نفس آن دانش‌آموز بیشتر می‌شود و می‌تواند جایگاه خود در جامعه را بیابد، اما متأسفانه نظام آموزشی ما آنقدر بسته است که وقتی دانش‌آموزی فارغ‌التحصیل می‌شود عملاً حرفه‌ای نمی‌داند و مجبور است که به دانشگاه برود و اگر دانشگاه نرود جامعه او را قبول نمی‌کند.

وی اظهار می‌دارد: از طرفی هم یک فرد دیپلمه‌ای که کار هم بلد باشد را جامعه سخت می‌پذیرد و می‌گوید باید حداقل مدرک لیسانس داشته باشد و او هم مجبور است صرفاً به خاطر اینکه یک لیسانس داشته باشد در رشته‌ای درس بخواند که نه به درد خودش می‌خورد و نه به درد جامعه، بنابراین بعد از گرفتن مدرک، نمی‌تواند کار مورد علاقه خود را بیابد و بعد از سن ۲۴-۲۳ سالگی به دنبال آموختن یک حرفه می‌رود.

محدثه علیخانی که ۲۳ سال سن دارد همزمان با قبولی در رشته کارشناسی اتاق عمل، چندین مرتبه در کنکور پزشکی هم شرکت کرد، اما نتیجه دلخواهش حاصل نشد و به همان کارشناسی اتاق عمل بسنده کرد، می‌گوید: من فکر می‌کردم که شاید بار اول خوب نخوانده باشم از این رو برای دفعه دوم هم در کنکور شرکت کردم و دوست داشتم در رشته پزشکی یا دندان‌پزشکی ادامه تحصیل بدهم اما این اتفاق برایم نیفتاد.

وی ابراز می‌دارد: این دو رشته به دلیل جایگاه اجتماعی و اینکه بهتر می‌توانم با این دو رشته به مردم خدمت کنم و مستقیماً می‌توانم به دیگران کمک کنم، برایم اهمیت داشت ولی وقتی یک کارشناس اتاق عمل باشم درواقع وابسته به بیمارستانی هستم که در آنجا کار می‌کنم، از خودم اختیاری ندارم که مثلاً به بیماری که بضاعت مالی ندارد بگویم فلانی تو هزینه کمتری پرداخت کن، یا اینکه من دستمزدم را نمی‌گیرم؛ بنابراین یک پزشک می‌تواند به تنهایی کار کند اما یک کارشناس اتاق عمل خیر.

علیخانی معتقد است: اگر در دوران راهنمایی و دبیرستان استعدادهای دانش‌آموزان شناخته شود و اگر دانش‌آموز در طی سال‌هایی که تحصیل می‌کند هنر و حرفه‌ای بیاموزد که بعد از مدرسه بتواند از هنر خویش استفاده کند، کسب و کاری راه بیندازد یا جایی بتواند مشغول کار شود اعتماد به نفس آن دانش‌آموز بیشتر می‌شود و می‌تواند جایگاه خود در جامعه را بیابد، اما متأسفانه نظام آموزشی ما آنقدر بسته است که وقتی دانش‌آموزی فارغ‌التحصیل می‌شود عملاً مهارت خاصی ندارد و مجبور است که به دانشگاه برود و اگر دانشگاه نرود جامعه او را قبول نمی‌کند.

*** اغلب افراد جامعه ما فکر می‌کنند که تنها راه موفقیت، کنکور است**

علی منافی نیز از دیگر شرکت‌کنندگان در کنکور ۹۷ اظهار می‌دارد: شرکت در کنکور بستگی به تلاش طرف مقابل دارد اگر واقعاً یک دانش‌آموزی زحمت کشیده باشد و در کنکور پذیرفته نشود مطمئناً ناامیدی زیادی برایش ایجاد می‌شود ولی به نظر من خانواده دانش‌آموز نقش مهمی می‌تواند در روحیه دادن به فرزندشان ایفا کند و اگر خانواده‌ای از دانش‌آموز خود حمایت کند حتی اگر رتبه دلخواهش را به دست نیاورده باشد آن فرد کمتر احساس ناراحتی خواهد کرد.

به نقل از فارس؛ وی خاطرنشان می‌کند: مطمئناً این طور نیست همه کسانی که موفق هستند از راه شرکت در کنکور موفق شده باشند اما کنکور یک راهی است که عموم مردم دوست دارند از این مسیر بروند و به موفقیت برسند البته کنکور در جامعه ما مرسوم شده و اغلب افراد فکر می‌کنند که تنها راه موفقیت، کنکور است اما هرکسی با توجه به استعدادش شاید بدون کنکور هم موفق‌تر از کسانی شود که در کنکور شرکت کرده است.

منافی ابراز می‌دارد: تصمیم دارم در رشته مکانیک تحصیل کنم و اکنون که سال حمایت از تولید ملی است مطمئناً اگر در این مسیر حمایت شوم دوست دارم به مردم جامعه‌ام با انتخاب این رشته خدمت کنم و رشته مکانیک در سازه‌های صنعتی بسیار کاربرد دارد و می‌توان خیلی از چیزها را بومی‌سازی کرد البته اگر حمایتی باشد.

وی با بیان اینکه کسانی که در کنکور قبول نشده‌اند، بهتر است به دنبال راه‌های دیگر باشند، می‌گوید: امسال رتبه کمتر از دوهزار آورده‌ام و اگر امسال دانشگاه قبول نشوم سال آینده دیگر در کنکور شرکت نخواهم کرد، چون به فشار و استرسی که کنکور برای انسان ایجاد می‌کند اصلاً نمی‌ارزد که دوباره بخواهم این مسیر را بروم. در این صورت ترجیح می‌دهم به دنبال یک شغل معمولی‌تر باشم.

سندی دیگر در اثبات مظلومیت دانشجویان بورسیه

دیوان عدالت اداری شکایت ۷۲ دانشجوی بورسیه را وارد دانست

پس از مدت‌ها انتظار بالاخره دیوان عدالت اداری با رسیدگی به درخواست تظلم‌خواهی دانشجویان بورسیه شده پیرامون جنجال‌های ایجاد شده در جریان دروغ «۳هزار بورسیه غیرقانونی در دولت‌های نهم و دهم» اطلاعیه‌ای صادر نمود.

متن اطلاعیه دیوان عدالت اداری در این باره به شرح زیر است:

«در پی شکایت تعدادی از دانشجویان بورسیه از اقدامات دستگاه‌های طرف شکایت و رسیدگی دیوان عدالت اداری به موضوع مزبور موارد زیر به اطلاع می‌رسد:

۱- تا پایان سال ۱۳۹۶ تعداد ۳۲۸ فقره دادخواست با موضوع اعتراض به اقدامات و تصمیمات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برخی از دانشگاه‌های دولتی مبنی بر لغو بورس یا خودداری از جذب پذیرفته‌شدگان بورسیه، به دیوان عدالت اداری تقدیم شده است.

۲- دانشجویان شاکی اعلام نموده‌اند: علیرغم طی کردن فرآیند قانونی، مراحل گزینش، احراز صلاحیت‌های علمی و پذیرفته شدن به عنوان دانشجوی بورسیه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برخی از دانشگاه‌ها بدون دلیل قانونی ضمن لغو بورسیه، فرآیند جذب ایشان را متوقف و ابطال نموده‌اند.

۳- دیوان عدالت اداری در اجرای اصل ۱۷۳ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری، که رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم از دستگاه‌های اجرایی را بر عهده دیوان عدالت اداری گذاشته است نسبت به رسیدگی به شکایات مزبور از حیث قانونی بودن یا قانونی نبودن تصمیمات اتخاذ شده اقدام نمود.

۴- پس از ثبت دادخواست‌ها، فرآیند تبادل لوایح و اخذ دفاعیه طرف شکایت انجام شد در این مرحله شرایط و ضوابط پذیرش بورسیه، تطبیق فرآیند جذب هر یک از دانشجویان از جمله: شرط معدل، سن قانونی، اعلام نیاز وزارت علوم به رشته تحصیلی مورد نظر، اعلام نیاز دانشگاه دولتی طرف شکایت و سایر الزامات قانونی مورد نیاز برای پذیرش و اعطای بورس مورد بررسی قرار گرفت و در مواردی که نیاز به اخذ توضیح از نمایندگان حقوقی وزارت علوم یا دانشگاه‌های طرف شکایت ضرورت داشت به صورت حضوری توضیحات آنان اخذ گردید.

۵- از مجموع ۳۲۸ شکایت واصله تا پایان سال ۱۳۹۶ تعداد ۷۲ فقره شکایت، وارد تشخیص داده شد که وزارت علوم و دانشگاه‌های طرف شکایت باید براساس احکام صادره اقدام مقتضی را انجام دهند و تعداد ۲۵۶ فقره شکایت، غیر وارد تشخیص داده شد.

۶- از تعداد ۷۲ مورد شکایت که وارد تشخیص داده شده است ۲۲ فقره شکایت مربوط به دانشگاه‌های تهران و بقیه مربوط به سایر دانشگاه‌های کشور بوده است.

۷- از مجموع ۷۲ دانشجویی که شکایت آنان وارد تشخیص داده شده است همگی دارای حد نصاب معدل قانونی بوده و عمدتاً دارای معدل بالا و ممتاز می‌باشند.

۸- شایان ذکر است علاوه بر موارد فوق شکایاتی که با موضوع احراز صلاحیت علمی، آموزشی به دیوان تقدیم شده بود با توجه به مصوبه شماره ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه تفسیری آن به شماره ۷۶۰ که اعلام نموده است «چنانچه شکایت از جهت امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی باشد، موضوع در صلاحیت هیئت یا هیئت‌های تعیین شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع نهایی رسیدگی است» پرونده‌های مزبور با قرار عدم صلاحیت به هیئت‌های مذکور ارجاع گردید.»

*** بهمن میرزاخانی**

پیرامون مشکلات دانشجویان تحصیلات تکمیلی درباره «پایان‌نامه نویسی»

«هیچ» نصیب داخل؛ «همه» برای خارج!

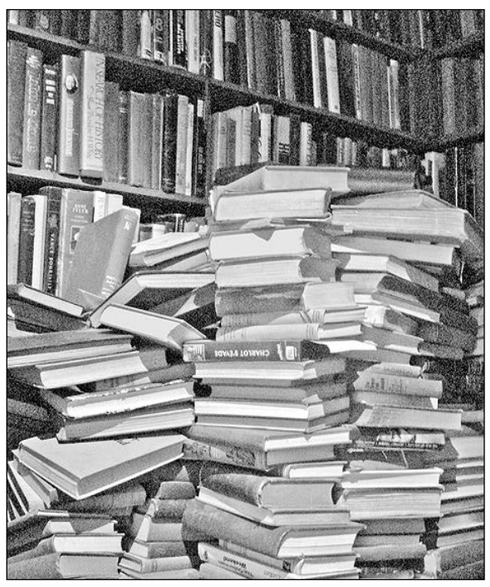

اواخر ترم هشتِ دوره کارشناسی بودم و تا آن موقع تصمیم نگرفته بودم که آیا برای ارشد اقدام بکنم یا نه؟! از یک طرف آدمی بودم که از محیطِ دانشگاهی و علمی خوشم می‌آمد و از بودنِ در آن حالم خوب می‌شد. از طرفی هم خروجیِ دانشگاه را که می‌دیدم، کمی ناامید از ادامه تحصیل می‌شدم. خلاصه تا پایان کارشناسی، تصمیم جدی نگرفته بودم؛ تا اینکه دانشگاه خبرِ پذیرش دانشجو بدون آزمون را مثل همه سال‌ها اعلام کرد. راستش را بخواهید وسوسه‌انگیز بود؛ به‌خصوص برای من که اصلاً حوصله کنکور و خواندنِ آن همه درس، آن هم در حد کنکور را نداشتم! نه که با خواندن مشکل داشته باشم، نه؛ برای کنکور حوصله‌ام نمی‌کشید. در نهایت تصمیمم بر این شد که ارشد را هم در همین دانشگاه بگذرانم.

در دوره ارشد به ترم دوم که می‌رسیم، نوبت به انتخاب استاد راهنما و موضوع پایان‌نامه می‌رسد و سمینار! من از همان ابتدا استاد راهنمای خودم را انتخاب کرده بودم و از این بابت مشکلی نداشتم. استادی که بیش از همه دوستش می‌دارم و حضور و دیدارش قوّتِ قلبی‌ست برای ادامهٔ پروژه ارشدم. در ذهنم موضوعی برای پروژه نداشتم و تصمیم گرفته بودم از بین پیشنهادهای استاد راهنمایم یکی را انتخاب کنم. موضوعی که انتخاب کردم نیاز به استاد راهنمای دوم داشت. در واقع بین‌رشته‌ای شد؛ بین دانشکدهٔ برق و دانشکده شیمی. خودم برق می‌خوانم و پروژه‌ام نسبتاً شیمی بود! از مسائل و مشکلاتی که تا روز سمینار پیش آمد بگذریم به جز اینکه چند هفته مانده به ارائه سمینار، پدرم در بیمارستانِ بستری شد؛ من مجبور بودم بعضاً روزها و بعضاً شب‌ها در بیمارستان باشم. آن روزها تمرکز و وقت کافی برای سمینار نداشتم. مطالب و مقاله‌هایی را که باید می‌خواندم، با خودم به بیمارستان می‌بردم، علامت می‌زدم و آماده می‌شدم تا در یک فرصت مناسب پاورپوینتی برایشان درست کنم. آن روزها هم گذشت و خوشبختانه خودم را برای روز سمینار جمع‌وجور کردم؛ در ضمن برای روز سمینار می‌بایست پروپوزال را هم آماده می‌کردیم که در مورد آن انتظار داشتم کمکی از طرف اساتید محترم صورت پذیرد ولی متأسفانه تنها بودم.

ما دو نفر دانشجوی برق بودیم و اینکه کارمان با شیمی درگیر می‌شد وضعیت مشابهی داشتیم البته با پروژه‌های متفاوت. وقتی پروژه را تعریف می‌کردیم قرار بر این شد که این کار، به صورت گروهی انجام شود؛ یعنی دانشجویانی از دانشکده شیمی و مکانیک هم در این کار باشند و ما هم به مدت سه ماه در آزمایشگاه باشیم تا حسابِ کار دستمان بیاید.

امروزه دغدغه بیشتر اساتید این شده است که بتوانند به کمک دانشجویان، مقاله بدهند. طوری‌که موقع نوشتنِ پروپوزال و تعیین پروژهٔ ارشد و دکترا، کار پژوهشی می‌بایست نوآوری داشته باشد. نوآوری برای چه؟! اینکه بتوان راحت‌تر مقاله داد! فقط همین!

ولی متأسفانه هیچکدام محقّق نشدند! و ما باز هم تنها.

مخاطب سخنانم اساتید و دانشجویانی هستند که بسیار در تلاشند تا از کارهای پژوهشی خود مقاله یا مقاله‌هایی ارائه بدهند. امروزه هم‌وغمِ بیشتر اساتید این شده است که بتوانند به کمک دانشجویان خود مقاله بدهند. طوری شده است که موقع نوشتنِ پیشنهاد و تعیین پروژه ارشد و دکترا، کار پژوهشی می‌بایست نوآوری داشته باشد. نوآوری برای چه؟! اینکه بتوان راحت‌تر مقاله داد! فقط همین؟

قبول دارم که یکی از راه‌های پیشرفت، به‌اشتراک گذاشتن یافته‌های جدید است؛ ولی این یافته‌های جدید، پایان‌نامه‌هایی که تعریف و مقاله‌هایی که داده می‌شود به چه کار کشور خودمان می‌آید؟ یافته‌های جدیدمان را دودستی تقدیم مجلّات خارجی و برای چاپشان هزینه‌ای را هم پرداخت می‌کنیم؛ هم پولمان می‌رود و هم علم‌مان!

متأسفانه ملاک ارزیابی اساتید و دانشجویان، همین مقاله‌ها شده‌اند؛ مرتبه علمی اساتید با مقاله بالاتر می‌رود و امکان تحصیل دانشجو در مقاطع بالاتر هم با مقاله تسهیل می‌شود! فایدهٔ دیگری هم دارد؟ کدام یک از مقاله‌ها بخش کوچکی از مشکلات جامعهٔ ایران را حل کرده است؟

خوشبختانه من و استاد راهنمای اولم، خلافِ خیلی‌های دیگر، دغدغه مقاله نداریم! پایان‌نامه‌ای هم که تعریف شده، به‌طریقی در مسیرِ دوستی با طبیعت است و اگر بتوان به یک جایی رساند و ادامه‌دهنده و حمایت‌کنندگانی هم باشند، می‌شود در ایران نیز پیاده کرد. گفتم ادامه‌دهنده و حمایت‌کننده؛ چرا که قبول دارم با یک پروژه کارشناسی ارشد به‌سختی می‌توان کار بزرگی کرد! آن هم با این شرایط موجود در دانشگاه‌ها. ان‌شاءالله که همه دانشگاه‌ها وضعیتشان مشابه هم نباشد. در دوره کارشناسی شنیده بودم که استاد راهنمای اولم در مناطق محروم، به‌عنوانِ خیّرِ مدرسه‌ساز اقدام‌هایی می‌کند و این من را خیلی راضی می‌کرد، امیدوارم درست بوده باشد. شاید همین‌ها باعث شده که پایان‌نامه‌ام با ایشان باشد و فارغ از اینکه موضوعش چه باشد!

برگردیم به مشکلات. یادم می‌آید یکبار داشتم در مورد وظایف متقابل دانشجو و استاد راهنما از آموزش دانشگاه سؤال می‌کردم که آیا آئین‌نامه‌ای چیزی هست یا نه، در کمال ناباوری و البتّه مورد انتظارم! اینگونه جوابم دادند: چنین آئین‌نامه‌ای نیست و اگر هم باشد به دستِ دانشجو نمی‌دهیم! بماند که بعدها از جای دیگری هم پیگیر شدم و جوابی هم ندادند، این مسئله از زمانی به ذهنم آمد که دوستانم و خودم ناراحت از این بودیم که چرا اساتید، آن طور که باید و شاید، همراه و کنارِ دانشجو نیستند! نمی‌گویم همه‌شان اینطوری هستند، اساتیدِ خوب هم داریم، در دانشکده شیمی استادی هست که گرچه دانشجویش نیستم ولی خیلی در زمینهٔ شیمی کمکم کرده. خیلی بیشتر از کسانی که انتظار داشتم کمکم کنند.

*** بهمن میرزاخانی**

قاب دانشگاه

***تصاویری از آماده‌سازی هیئت دانشجویی در دانشگاه‌های تربیت مدرس و امام صادق(ع) در آستانه فرا رسیدن محرم‌الحرام ۱۴۴۰ هجری قمری**